

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی دیه و ماهیت آن در سیاست جنایی اسلام
۱۷	دیدگاه علمای شیعه، سنی و وهابی درباره توسل به ائمه (ع) و اولیاء الهی (ع) و اشکالات وارده بر آن
۴۳	اختیارات ولی خاص و قیم در امر قصاص از دیدگاه فریقین و حقوق ایران و افغانستان
۶۵	چیستی فلسفه فقه
۷۹	اندیشه مهدویت در تصوف با تأکید بر سلسله نوربخشیه
۱۰۳	وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین
۱۲۱	حکم غنا از دیدگاه مرحوم شیخ انصاری و مرحوم امام خمینی



سال چهارم، بهار ۱۴۰۳، شماره ۱۲

اندیشه مهدویت در تصوف با تأکید بر سلسله نوربخشیه

فرمان علی سعیدی^۱؛ مظاهر الحسنین نوری^۲

چکیده: اندیشه مهدویت یکی از موضوعات اتفاق نظر و مهم در میان مسلمانان بوده است. ابهاماتی درباره اندیشه مهدویت در نوربخشیه وجود دارد و برخی ادعای مهدویت از طرف سید محمد نور بخش را به ایشان نسبت داده است. اندیشه مهدودیت در نوربخشیه چیست؟ و نورخشیان چه تفسیری از مهدویت دارند؟ و آیا سید محمد نوربخش چنین ادعای را داشته است؟ بر اساس تحقیقات انجام گرفته، اندیشه مهدویت در نزد نوربخشیان همانند اندیشه مهدویت نزد شیعیان است و ادعای مهدویت از طرف سید محمد نوربخش درست نیست. بررسی نظریه و اندیشه مهدویت نزد نوربخشیه و رد ادعای مهدویت از جانب سید محمد نوربخش را این مقاله بر عهده دارد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده است. به باور ما، اندیشه مهدویت در طریقه نوربخشیه، نوعی عرفانی است ولی در نتیجه اختلاف بارزی با شیعیان اثنا عشریه ندارند و اما برخی افراد بدلیل عدم اطلاعات کافی به منابع نوربخشیه از یک طرف و دسترسی آنها به منابعی که بعضاً بر علیه این سلسله نوشته شده است، دچار اشتباهات شده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، تصوف، نوربخشیه، بلتستان؛ سید محمد نوربخش

۱. دانش آموخته مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی، شگر،

پاکستان- farmanshigari@gmail.com

۲. دانش آموخته مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی، شگر،

پاکستان.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مهدویت

لغت مهدویت برگرفته از امام مهدی(ع) است که خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری يك رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است (گلپایگانی، ۱۹، ۱۳۸۵).

باور به مهدویت به معنای جامع «مهدویت و غیبت و بازگشت» شکل رسمی تری به خود گرفته است. به این معنا که مهدویت در شکل اصلی آن که غیبت بدون مرگ، بازگشت و گرفتن انتقام مظلومین و همین طور انتشار عدالت و امنیت به آرامی تبیین شده است (شهرستانی، ۱۵۰، ۱۳۶۷).

۲-۱. نوربخشیه در لغت

نوربخشیه منسوب به سید محمد نوربخش است. و لفظ نوربخش یا مصدر است به معنای روشنائی و نور است یا اسم فاعل است به معنایی روشن کننده چنانچه در فرهنگ فارسی، نوربخش بمعنای روشنی دهنده و روشنی بخشنده آمده است (معین، ۱۳۹۱، ۱۲۵۲).

در لغت نامه دهخدا چنین آمده، نوربخش، بمعنای نور پاشی و پرتو افکنی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۲۸۲۷).

درفرنگ فشرده نیز چنین گفته است. نوربخش، روشنی دهنده و روشن کننده (انوری، ۱۳۹۹، ۲۴۷۸).

به همین معنی خود سید محمد نوربخش نیز اشاره کرده است.

زآفتاب علم خود ای نوربخش ره روان راه خود را نوربخش.
نوربخشی روح بخشی کار توست چشم ما پر نور از دیدار تست (نوربخش،

۳-۱. نوربخشیه در اصطلاح

نوربخشیه مانند مذاهب دیگر یک نام توصیفی و نسبتی است نام مذهب امامیه صوفیه معروف به نوربخشیه است.

سید شاه قاسم فیض بخش فرزند ارجمند سید محمد نوربخش در باره نام مذهب اشاره فرموده است. (الامامیه الصوفیه المعروف بالنوربخشیه؛ فیض بخش، ۲۰۱۱، ۱۱۲) نام مذهب امامیه صوفیه معروف به نوربخشیه است.

همین طور که مصطفی شیبی، درباره اصطلاح نوربخشیه چنین می گوید: که نوربخشیه یکی از مذاهب اسلامی به شمار می رود. و این اصطلاح نوربخشیه اسم خاص پیروان سید محمد نوربخش

گردیده است. و نیز نام طریق خاص او است؛ همچون حروفیه و مشعشیه و بکتاشیه {که هم به اعضاء فرقه اطلاق می شود، هم به عقاید فرقه} (شیبی، ۱۳۸۰، ۳۲۱)

نوربخشیه به کسانی اطلاق می شوند که از مبانی علمی، اعتقادی و فقهی سید محمد نوربخش پیروی می کنند. و روش اجتهادی او را قبول دارند چنانچه او بدون کم و بیش احکام شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت را به طالبان حق راهنمایی فرموده است (صوفی، ۱۳۴۰، ۲۲۶)

۴-۱. نتیجه تعریف اصطلاحی نوربخشیه

با توجه به تعاریفی که برای نور بخشیه بیان شده می توان نکات ذیل را از مجموع آن ها به دست آورد که عبارتند از:

۱: نوربخشیه، اعتقاد به مبانی فکری و اعتقادی و فقهی سید محمد نوربخش دارد.

۲: نوربخشیه، معتقد به امامت حضرت امام علی و فرزندانش بعد از رسول خدا است.

۳: نوربخشیه، تعلیمات سید محمد نوربخش را سرچشمه و آینه دار تعلیمات

چهارده معصومین می‌داند.

۴: نوربخشیه، سلسله مرشدین را بدون منقطع تا رسول خدا یکی بعد دیگری می‌داند.

۵: نوربخشیه، در طریقت ایمان به اولیاء را همانند ایمان به پیامبران در شریعت واجب می‌داند.

در اینجا به برخی از عوامل گرویدون افراد به سید محمد نوربخش و انتخاب وی به عنوان یک رهبر و نمائنده یک فرقه بیان می‌کنیم:

۲. عوامل گرویدن به نوربخش

۱-۲. شخصیت پرجاذبه سید محمد نوربخش

از منابع متعدد بدست می‌آید که سید محمد نوربخش از دوران کودکی زیرک و باهوش بوده بطوریکه در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد، چنانچه خود او در یکی از مکاتبات و مراسلاتش می‌نویسد: «نسب من قریش و هاشمی و علوی، فاطمی، حسینی و کاظمی است. در علوم شریفه جعفری، پیر و آدم الانبیاء علی المرتضی (ع) هستم. و در علوم غریبه چون کیمیا و سیمیا و همیا، اگر خود ستایی نشماری همتای «ابن سینا» و در مکاشفات فلکی و مشاهدات ملکوتی و معانی جبروتی و تجلیات لاهوتی کامل و مکمل ام و به مراحل هفتگانه ذکر لسانی و نفسی و قلبی و سرّی و روحی و حضوری و غیب الغیوب هم خود رسیده ام و هم دیگران را می‌رسانم» (شوشتری، ج ۲، ۱۳۶۵، ۱۴۴)

۲-۲. ولایت مداری و ابراز محبت شدید به اهل بیت (ع)

از خصوصیات بسیار بارز و ممتاز سید محمد نوربخش مودت و محبت فوق العاده او نسبت به خاندان عصمت و طهارت است؛ چنانچه ادبیات و اشعار وی کتاب کشف الحقیقه و غیره بر این مطلب دلالت دارد، او علی (ع) را نفس پیغمبر (ص) سرّ مصطفی دانسته می‌گوید:

«گر عمل باشد دو صد چون کوه قاف ذره حبش از آن پی خلاف»

و به مقام و مرتبت خامس آل عبا سید الشهداء (ع) نیز ارادت و عقیده بسیار داشت.

از برخی منابع بدست می‌آید او در تمامی عمر خویش لباس سیاه می‌پوشید، و خود را همیشه عزادار نشان می‌داد.

۲-۳. قبول بیعت و خرقه پوشی

بیعت خواجه اسحاق ختلانی و خرقه پوشی سید محمد نوربخش بدست او و واگذاری پیریت و رهبری به سید محمد نوربخش و نیز محرک و مرغب بودن خواجه در نهضت و جنبش نوربخشیه از جمله عوامل مؤثر و مهم در بوجود آمدن و رواج یافتن فرقه در زمان خود می‌باشد (شوشتی، ج ۲، ۱۳۶۵، ۳۱۵)

۲-۴. میرزا حیدر دوغلات و نوربخشی‌ها

میرزا دوغلات افراد و شخصیات برجسته نوربخشی‌ها مانند حضرت رشی، صوفی داؤد، صاحب خطیب را اعدام کرد و به خانه‌های عالمان نوربخشی آتش زد، فرزند میر شمس‌الدین عراقی، میر دانیال در چنین ایامی در سکر دو به سر می‌برد، میرزا حیدر با حيله و فریب ایشان را به کشمیر فرا خواند، بعد از یک سال در زندان با گرفتن فتوی علیه ایشان از علمای اهل سنت مانند قاضی ابراهیم و قاضی عبدالغفار ایشان را به قتل رساند (حمزه، ۱۳۷۰ق، ۳۵)

۳. جغرافیائی انسانی نوربخشیه در دوران معاصر

در حال حاضر نوربخشی‌ها کم و بیش در همه مناطق مختلف کشور پاکستان و هندوستان حضور دارند اما تمرکز جمعیتی آن شهرستان خپلو است که حدود نود در صدر جمعیت آن را نوربخشی‌ها تشکیل می‌دهند. در شهرستان‌های شگر و سکر دو که مرکز بلتستان است، نوربخشی‌ها حضور دارند. علاوه بر آن نوربخشی‌ها برای کسب و کار به عنوان کارمند دولتی در مناطق دیگر ایالت گلگت و بلتستان حضور دارند. در ایالت‌های مختلف پاکستان نوربخشی‌ها حضور دارند و فرهنگ و سبک زندگی خودشان را حفظ نموده است و در مرکز پاکستان یعنی اسلام آباد تعداد قابل ملاحظه‌ای از نوربخشی‌ها حضور دارند. در خارج از کشور و در کشورهای مختلف جهان نوربخشی‌ها حضور دارند. در هندوستان هم تعداد زیادی نوربخشی‌ها حضور

دارند که مرکز ثقل آن کرگیل و لداخ است. از این جهت می‌توان گفت در حال حاضر جمعیت نوربخشیه بیش ۵۰۰ هزار نفر بر آورد می‌شود (سعیدی، ۱۴۰۰، ۸۹)

۴. خانقاه‌های نوربخشیان در دوران معاصر

همان گونه ذکر شد که تعداد زیادی از نوربخشیان در گوشه و کنار دنیا زندگی می‌کنند و سبک و شیوه زندگی خود را حفظ نموده‌اند. فرهنگ و راه و رسم خاصی که این‌ها دارند، جاهای مخصوصی را برای انجام مراسم عبادی خود انتخاب نموده‌اند یکی از این مکان‌ها، خانقاه‌ها است که در کشمیر و در بلتستان در حال حاضر وجود دارد. آنچه بیش از همه زیاد نمود پیدا کرده است خانقاه‌ها است که در جاهای مختلف بلتستان وجود دارد. حدود ۴۵ خانقاه که سبک ایرانی - کشمیری ساخته شده است (تهسگوی، ۱۳۹۶، ۵۶)

اشکالی بر تعاریف اصطلاحی نوربخشیه وارد شده که سید محمد نوربخش فردی است که در قرن هشتم متولد شده است پس چگونه این فرقه بنام ایشان منسوب و معروف شده است؟

سه وجه در جواب این اشکال بیان شده است:

وجه اول: جهت سیاسی است، و آن اینکه سید محمد نوربخش در زمان خودش حاکمیت تیموری میرزا شاه‌رخ را قبول نداشت به دلایلی بر علیه او قیام نمود، و در فکر ایجاد یک دولت اسلامی بوده و پیوسته می‌کوشیده، تا حکومت اسلامی تشکیل دهد، و استاد او خواجه اسحاق ختلانی نیز به این هدف بزرگ موافقت نمود، زیرا او نیز به چنین آرزویی به سر می‌برد و دنبال فرصت قیام بود (آملی، ۱۳۹۱، ۳۳)

برخی به این عمل ایراد می‌گیرفتند، و سید محمد نوربخش را مورد حمله قرار می‌دادند. بعد از این جریان چندین بار سید محمد نوربخش را در جاهای مختلف تبعید و زندانی کردند. و مردم از لحاظ پیروی از این سنت اسلامی به قیادت سید محمد نوربخش اطاعت کردند و سید محمد نوربخش را در شریعت و طریقت و حقیقت، مظهر اشرف امتی حمله القرآن، العلماء ورثة الانبیاء، الشیخ فی قومه کالنبی فی امته، می‌دانستند (پندوی، ۱۹۸۵م، ۴۴)

از این روز به بعد کسانی که بر تفکر سید محمد نوربخش و روش عملی او راه می رفتند و نحله فکری و کلامی و فقهی و سیاسی سید محمد نوربخش را اختیار نمودند به نور بخشیه معروف گردید (آخونداده، ۱۹۹۴م، ۴۵)

وجه دوم: جهت خرقة پوشی و مسند ارشادی است، ما در احوال شخصی او تفصیلاً بیان خواهیم نمود، ولی در اینجا اجمالاً متذکر می شویم. خواجه اسحاق ختلائی بر اثر استعداد ذاتی و کسب مراتب طریقت و رسیدن به پایه ارشادی و اجتهادی وی و به موجب الهام غیبی خرقة پیر و مرشد خود، میر سید علی همدانی را به او پوشانید و در مسند ارشادش نشانید و گفت هر که را داعیه سلوک است به سید مراجعه نماید که اگر چه او مرید ما است اما در حقیقت پیر ما است (صوفی، ۱۳۴۰، ۱۸) به این ترتیب استاد خود و همه مریدانش در خرقة ارادت سید محمد نوربخش درآمدند، تنها کسی که از مریدان خواجه اسحاق بیعت با سید محمد نوربخش نکرد سید عبدالله برزش آبادی بود، که او دست مخالفت از آستین در آورد، و مستقلاً برای خود سلسله تشکیل داد. از این روز به بعد پیروان سید محمد نوربخش را نوربخشیه نامیده شده است (آملی، ۱۳۹۱، ۴۹)

وجه سوم: اینکه در طول تاریخ و ادوار زمانی تحولات مبانی کلامی و فقهی از نظر فعالیت های مذهبی منفعل بوده است. و موجب ایجاد بدعتها در شریعت محمدی گردیده و اختلاف زیاد در بین علماء اسلام واقع شده، و روز به روز واقعیت و حقیقت شریعت ناب محمدی از دست می رفته، و در اصول و فروع دین آتش اختلاف شعله وار می شد، بدین سبب سید محمد نوربخش خود را مسئولیت شرعی می دانست، و مأمور به رفع بدعتها از متن شریعت، و خاموش ساختن آتش اختلاف میان امت اسلامی، ایجاد وحدت بین مسلمانان، بیان اصل ماهیت و حقیقت شریعت ناب محمدی کما کانت فی زمان رسول الله را بر عهده گرفت. چنانچه این حقیقت را خودش بیان نموده است. (أَنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَرْفَعَ الْإِخْتِلَافَ مِنْ بَيْنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلًا فِي الْفُرُوعِ وَ أَيْبِنَ الشَّرِيعَةَ الْمَحْمَدِيَّةَ كَمَا كَانَتْ فِي زَمَانِهِ مِنْ غَيْرِ زِيَادَةٍ وَ نَقْصَانٍ وَ ثَانِيًا فِي الْأَصُولِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَّةِ وَ كَافَّةً أَهْلَ الْعَالَمِ، (نوربخش، ب: ۱۴۱۰، ۴) به تحقیق خداوند به من حکم نموده است که اختلاف میان این امت را رفع کنم. نخست اختلاف در فروع، و شریعت محمدی را

که همان گونه در زمان خود او رائج بوده، بدون کم و زیاد بیان می‌کنم. وثانیاً اختلاف در اصول، میان امته‌ها و همه اهل جهان را رفع و بیان خواهم نمود. (در جاي ديگر چنين مي فرمايد: (وَإِنَّا مَأْمُورٌ بِرَفْعِ الْبَدْعِ عَنِ الشَّرِيعَةِ الْمَحْمُودَةِ وَإِحْيَاءِ مَا فِي زَمَانِهِ، (شاه، ۱۹۲۸ م. ۲۳۷) من مأمور به رفع بدعتها از شريعت محمديه و زنده نمودن احكام رائج زمان شارع هستم.) به همين سبب فرزندان طريقت خويش و خصوصاً به فرزند صلبی خود را چنين خطاب نموده و فرموده است، (وَلَكِنْ أُبَيِّنُ لَكَ مَا لَابَدُّ مِنْهُ لِتَكُونَ مِنْ زُمْرَةِ أَهْلِ الْإِيمَانِ، (نوربخش، ج: ۱۹۸۸، ۲۳) من به خاطر شما مهمترين احكام و مسائل اعتقادي را بيان مي كنم تا شما در حلقه اهل ايمان باشيد.)

بنابر اين فرزندان و مريدان طريقت، مقام علمي و فكري سيد محمد نوربخش راديدند، و تعليمات او را از مشرب نبوت و امامت دانستند. لذا يکي از مريدان او چنين گفته است.

هست منشور جهان

منحصر شد رهبري در ذات او

آيات او

در طريق استقامت قايم

آنکه براقليم تمکين حاکم است

است

حجت الحق علي

هادي الخلق الي الحق است او

الخلق است او

در حقيقت رهروان را رهنما

در شريعت در طريقت پيشوا

پيشوای اولياء كهف الوراى

وارث علم وكمال انبياء

جمله در ذات شريف او

هرچه در عالم كمالش نام بود

نمود

فقر و دانش بر کمالاتش

غوث اعظم دين و ملت را پناه

گواه (لاهيجى، ۱۳۶۸، ۸)

و كساني که در حلقه تفکر و تعليمات طريقت سيد محمد نوربخش در آمدند و مباني كلامي و فقهی او را پذيرفتند و از سفره علمي و معنوي و اعتقادي، اخلاقي او بهره مند مي شدند و سلسله طريقت و ارادت و مسند ارشادي به تعبير قرآني (حب الله)،

و به فرموده امیر کبیر سید علی همدانی (واعتصمنا بحبل الله المتین..... لأنهم انتمتوا فی الدین وعلی طریق الحق والیقین و هذا حبل الله المتین لا یقطع الی یوم الدین وهو صراط المستقیم للمؤمنین، رَبَّنَا ارزُقْنَا مُتَابِعَتَهُمْ وَ لَجَمِیعِ الْمُسْلِمِینَ (همدانی، ۱۳۱۰، ۲۱۹) ما ریسمان الهی را تمسک کردیم..... زیرا ایشان در دین پیشوایان ما هستند و بر راه حق و یقین ثابت قدمند، و اینها ریسمان آشکار الهی هستند، و این سلسله تا روز قیامت انقطاع ناپذیرند. و راه راست برای اهل ایمانند. پروردگارا ما و همه مسلمانان جهان را توفیق متابعت به ایشان عطا فرما.) از این جهت تمسک به سلسله و مبانی فکری علمی سید محمد نوربخش به نوربخشیه معروف شده است. از این سه وجه، وجه سوم قابل پذیرش می باشد. در نتیجه از این مطالب ذکر شد ما می فهمیم که نوربخشیه همانند نام های مذاهب دیگر یک نام نسبی است، در حقیقت معیار و ملاک و حقانیت هر مذهب، تعلیمات و مبانی اعتقادی و فقهی آن مذهب می باشد. چنانچه ما از تعلیمات و عقائد نوربخشیه فهمیدیم که سرچشمه و مشرب کلامی و فقهی نوربخشیه از شهر رسالت و باب ولایت بوده است.

ن(ع) اعتقاد دارند و از مجتهد میت تقلید می کنند (رجانی، ۱۳۸۶، ۷۵)

۵. اندیشه امامت و مهدویت در نوربخشیه

تعریف اصطلاحی نوربخشیه در بحث مفاهیم بیان گردید. که نوربخشیه یکی از فرقه های اسلامی می باشد که در طول تاریخ این فرقه به نام امامیه صوفیه معروف بوده و همراه این نام یک نام نسبی ذکر می شده است، مجموعه این نام ها را سلسله ذهبیه نیز گفته می شد، چنانچه حضرت امام علی رضا اجازت ارشاد و هدایت و خرقة تصوّف را به شاگرد ممتاز خود حضرت معروف کرخی عطاء فرمود، لذا سید محمد نوربخش بدین مطلب اشاره فرموده است برای سلسله من دوازده امام بودن از لحاظ وحدت منزل نقطه است و این وحدت که سلسله من ذهب شده و وجود سلسله من موقوف وجود پاک دوازده امام می باشد.

نوربخشیه معتقدند که خلیفه بلا فصل رسول الله حضرت امام علی سپس امام حسن، امام حسین

است وامامت نُه امام را از فرزندان امام حسین می داند(همدانی، ۱۹۹۰، ص ۱۰)
 نوربخشیه به گروهی اطلاق می شود که پیروی نمودن از تعلیمات سید محمد
 نور بخش در اصول و فروع دین، زیرا تعلیمات او آینه دار و سرچشمه تعلیمات چهارده
 معصومین می باشد(نوربخش، ۱۹۸۸، ۲۸)

نوربخشیه معتقدند که امامت را قریشی، فاطمی، سیادت منصوبه و سیادت
 صحیحه و ولایت صریحه و مملکت فسیحه می داند(نوربخش، ۱۹۸۸، م، ۵۰)
 نوربخشیه من اعتصم لسلسله الاولیاء المرشدین المتصلین یداً بیدِ الی علی سید
 الاولیاء و منه الی محمد سید النبیا(نوربخش، ۲۰۰۵، م، ۲۷۰)

نوربخشیه مسلکی است که سلسله اولیاء مرشدین را بالاتصال یکی بعد دیگری
 تا سید اولیاء حضرت امام علی از او تا سید انبیاء حضرت محمد تمسک کند.
 نوربخشیه مکتبی است که حضرت امام علی را سلطان اولیاء، امام الاولیاء، مولی
 العارفین، بلافضل خلیفه رسول الله، امام حقیقی، ولی الله، معصوم فطری، امام
 المتقین، سید الاولیاء، سند الاولیاء، امین توحید، منارة فتح مبین اسلام، مالک قصر
 هل آتی، آفتاب درخشان آسمان لافتی، گوهر یکتایی لوکشف الغطاء، برج انت منی
 بمنزلتی هارون من موسی، باب شهر علم نبوت، خطیب درسگاه سلونی، معلم علم
 لدنی، با محمد مصطفی خیر البشر، مرکز مدار سیادت، واقف اسرار مصطفوی،
 شریک نور محمدی، امین وحدت اسلامی، فارق حق و باطل و صدیق اکبر می داند
 (نذیر، ۲۰۰۲، ۲۳)

نوربخشیه مسلکی است که در طریقت ایمان به اولیاء همانگونه که در شریعت
 ایمان به پیامبران را واجب می داند(نوربخش، ۱۹۸۸، ۵۲)

نوربخشیه روش و طریقت منسوب به سید محمد نوربخش است و فرقه ای است
 که مرید و پیروی افکار و تعلیمات فقهی و کلامی و عرفانی سید محمد نوربخش
 است و نوربخشیه یکی از شاخه های تصوف است. با گرایش شیعی که در قرن هشتم
 هجری قمری، در اثر برخی از جریان ها و عوامل در ایران زمین و زادگاه اصلی سید
 محمد نوربخش بوجود آمد بطور کلی نوربخشی ها طبق تعلیمات و افکاری که سید
 محمد نوربخش در کتابهای خود مانند کتاب(اصول الاعتقادیه و الفقه الاحوط) و دیگر

کتابه‌شان آورده است به یگانگی خداوند و نبوت انبیاء (ع) و امامت ائمه معصومی
لذا سند این سلسله به معصوم می‌رسد، چنانچه سید محمد نوربخش نیز فرموده
است مقام سر ولای از علی تا مهدی صاحب زمان هست تمسک جستن به آدم
الاولیاء علی مشکل کشاء تا اولاد او، اما آخرین قطب وقت مظهر کل خدا هادی
جهان مهدی کما این که فرموده‌اند امام من غریب خراسان علی ابن موسی الرضا که:
«قال الله تعال کلمة لا اله الا الله حصني فمن دخل حصني امن من عذابي ولكن
بشر طها وشروطها وانا من شروطها، (آملی، ۱۳۹۱، ۸۵) خداوند عزوجل فرمود: کلمه
لا اله الا الله قلعه من است هر که در آن قلعه وارد شود از عذاب من درآمان است،
امام فرمود، ولی شرائطی دارد و من از شروط آن هستم. » به عقیده نوربخشیه در ابعاد
گونگون دینی تمسک به ولایت واجب می‌باشد. یکی از آن بعد دینی و اعمال ولایت
در اصل اجازه ارشاد دادن به معروف کرخی است و بدون اجازت ریاضت و مجاهده
ممکن نیست، (موسوی، ۲۰۰۱، ۱۹۵) و این اجازت از رسول خدا دست بدست تا قیامت
استمرار می‌باشد. در این مورد سید محمد نوربخش می‌فرماید: (آن یكون الامام وولياً
کاملأ في مقامات الولاية..... مُجَازاً في أخذ البيعة وتلقين الذكر وإرشاد الطالبين من مرشدٍ كاملٍ هكذا
يجبُ أن يكونَ مسلماً الي رسول الله بلا انفصام، (نوربخش، ۱۴۱۰، ۱۹۰) امام باید ولی کامل
در مقامات ولایت باشد..... و در اخذ بیعت و تلقین ذکر و ارشاد طالبان راه حق از
مرشد کامل اجازت یافته باشد و همین طور بدون انفصام و قطع سلسله وار به رسول
اسلام رسیدن واجب است.) به همین سند اجازت ارشادی را سلسله ذهب نامیده
شده است. و کسانی که در حلقه ارادت ولایت مطلقه شمسیه امام علی رضا و ولایت
مقیده و قمریه و ولی ارشادی معروف کرخی را قبول دارند. امامیه صوفیه معروفیه
نامیده شد، سپس خرقة ارادت این سلسله به حضرت شیخ جنید بغدادی رسید،
امامیه صوفیه جنیدیه معروف شد، تا این سلسله طریقت به حضرت نجم الدین
کبری رسید، امامیه صوفیه کبرویه منسوب شد، پس از این خرقة طریقت به حضرت
امیرکبیر سید علی همدانی رسید، امامیه صوفیه معروف به همدانیه شد. وقتی همان
سلسله طریقت به سید محمد نوربخش رسید، امامیه صوفیه معروف به نوربخشیه
گردیده (نعیم، ۲۰۱۱، ۱۲۸) تا عصر حاضر به همین نام مشهور و معروف است. پس

این نام‌ها یک نام نسبی می باشد. و به مناسبت روش و طریقه عملی و مبانی فکری، علمی، اعتقادی، کلامی و فقهی این بزرگان می باشد. و ایشان این طریقه عملی و مبانی علمی و اعتقادی و فقهی را شهر رسالت و نبوت و باب ولایت گرفته‌اند.

۶. سید محمد نوربخش و ادعای مهدویت

آیا سید محمد نوربخش ادعای مهدویت کرد؟ این یکی از اساسی ترین سئوالی است که توجه هر محققى را به سوى آن مبذول می کند.

برای پاسخ دقیق به سؤال فوق لازم است بررسی دقیقی درباره ادعای مهدویت از سوی سید نوربخش و عدم آن انجام شود تا به این نتیجه منصفانه و محققانه برسیم. به نظر می رسد که برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای لازم است چند کار انجام بشود:

۱. سخنان و ادعای کسانی که می گویند سید محمد نوربخش چنین ادعای داشته است.

۲. سخنان کسانی که می گویند سید محمد نوربخش چنین ادعای نداشته است.

۳. بررسی خود اندیشه‌ای کلامی سید محمد نوربخش بویژه درباره مهدویت.

۴. بررسی و تحقیق اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران سید محمد نوربخش.

۵. بررسی و تحقیق احوال شاگردان و اساتید سید محمد نوربخش.

۶-۱. ادعایهای سید محمد نوربخش

سید محمد نوربخش از پرمدعاترین اقطاب صوفیه است که خود را عالم ترین افراد معرفی کرده است صاحب تمام علوم ظاهری و باطنی است که خودش می فرماید: « نسب من قریش و هاشمی و علوی، فاطمی، حسینی و کاظمی است. در علوم شریفه جعفری، پیر و آدم الانبیاء علی المرتضی (ع) هستم. و در علوم غریبه چون کیمیا و سیمیا و هیمیا، اگر خود ستایی شماری همتای «ابن سینا» و در مکاشفات فلکی و مشاهدات ملکوتی و معانی جبروتی و تجلیات لاهوتی کامل و مکمل ام و به مراحل هفتگانه ذکر لسانی و نفسی و قلبی و سرّی و روحی و حضوری و غیب الغیوب هم

خود رسیده‌ام و هم دیگران را می‌رسانم» (شوشتری، ج ۲، ۱۳۸۰، ۱۴۴)

۲-۶. منتسبین ادعای مهدویت به سید محمد نوربخش

مهم ترین ادعای نوربخش ادعای مهدویت اوست

۱-۲-۶. میرزا حیدر دوغلات

میرزا محمد حیدر دوغلات (م ۹۵۷ ه.ق) در تاریخ رشیدی این نسبت را به سید محمد نوربخش داده و درباره نوربخشیان براین باور است که اینه نه شیعه‌اند و نه سنی چون مثل شیعیان سب اصحاب برخورداران لازم می‌دانند اما برخلاف برخلاف شیعیان سید محمد نوربخش را صاحب زمان موعود می‌دانند او در این بحث چنین می‌نویسد:

مردم کشمیر تمام حنفی بوده‌اند در زمان فتح شاه که پدر این سلطان نادر باشد مردی آمده شمس نامی از طالش عراق و خود را منسوب به نوربخشی کرده و مذهبی مخربی و کتاب فقه احوط نام در میان مردم اندخته است -نعوذبالله - عایشه را که شعار روافض است بر خود لازم دارند بر خلاف عقیده شیعه سید محمد نوربخش را صاحبی زمان و مهدی موعود می‌دانند و اکابر اولیاء را به تمام برخلاف شیعه معتقدند اما همه را سنی می‌پندارند (دوغلات، ۱۳۸۴، ۶۱۵)

۲-۲-۶. مولوی محمد شفیع

مولوی محمد شفیع در بخش نوربخشیان بحث را مطرح کرده و این نسبت را به نوربخشیان داده که آن‌ها سید محمد نوربخش را بعنوان مهدی موعود اعتقاد دارند او در صفحه اول مقالات خود درباره فرقه نوربخشیه می‌نویسد: نوربخشی‌ها پیرو سید محمد نوربخش هستند و وی را که امام صاحب زمان و مهدی موعود می‌دانند او همچنین می‌نویسد:

سید محمد نوربخش ادعا کرده بود که مهدی صاحب زمان و خاتم الولايت است و گاهی برای خودش مظهر موعود و مظهر جامع می‌گفت و در کلام شاگردش اسیری لاهیچی هم این اصطلاحات برای او استفاده شده است. او در حاشیه این بحث

رباعی معروف اسیری لاهیچی را بعنوان دلیل ادعای مهدویت سیدمحمدنوربخش می‌آورد:

قطب اقطاب جهان هادی الوراء مهدی دوران وفخر اولیاء
غوص اعظم ملت دین را پناه فقرذاتش برکمالاتش گواه

او در حاشیه‌ای ن بحث می‌نویسد: به خاطر اجبار و تشدد میرزا شاه‌نوربخش سیدمحمدنوربخش مجبور شد که از ادعای مهدویت منحرف شود اما مریدان وی او را هنوز مهدی می‌دانند (شفیع، ۱۹۹۹، ۳۰) رسول جعفریان از پژوهشگران معاصر رسول جعفریان با استناد رساله الهدی که منسوب سیدمحمدنوربخش است سیدمحمد نوربخش را بعنوان مدعی مهدویت معرفی می‌کند او در این باره می‌نویسد:

نوربخشیه فرقه‌ای مذهبی صوفی منتسب به سید محمدبن عبدالله نوربخش (۸۶۹م) در اصل قایمی از پدری سادات و از مادری ترک است که می‌گویند همراه سیدمحمد فلاح شاگرد ابن فهد حلی را داشته، گرچه در این باره تردیدهایی وجود دارد اما ادعای مهدویت سید محمد نوربخش از سوی پدرش برای او مطرح شد. وی بعدها در بازگشت از خراسان، ادعای مهدودیت خویش را علنی کرد و توانست در آن نواحی و کشمیر، یارانی را گرد آورد (جعفریان، ۱۳۹۱، ۱۱۵) یا اینکه خود در باره مقام علمی خود می‌گوید: «واصل قدوسی محمد طوسی گوید: کملین اقوام متقدم و متأخر را در مقامی بلند دیدم، تو در میان آنان نبود، از آنان در باره تو پرسیدم گفتند: مقام او علم است و هیچ کس جز با علم مجرد از جسد و روح نمی‌تواند به آن برسد. از هر دو مجرد شدم، به طوری که جز علم با من نماند، به اندازه دو بیست هزار سال بالا رفتم تا به مقام تو رسیدم.» همچنین در نامه‌ای خطاب به شاه‌رخ، سلطان وقت می‌نویسد: «در این زمان اگر سیدی باشد که در همه علوم شرعی و حکمی متبحر باشد و در تجلی ذات و صفات و فهم حقایق متفرد و از مریدان صاحب‌کمال قریب ۵۰ صاحب‌حال داشته باشد، این مظهر است و غیر کاتب این حروف در همه عالم هیچ کس به جامعیت این صفات موصوف نیست» (زرین کوب، ۱۳۹۳، ۱۸۵۷) درجایی دیگر نوربخش در باره ظهور خود به صراحت می‌گوید: «تاکنون حال خود

را پنهان می‌داشتیم ولیکن اظهار آن واجب شده تا حجت بر همه مردم تمام شود به‌گونه‌ای که مظهر کل و راهنمای راه حق را به‌درستی بشناسند» (نوربخش، ۱۳۷۲، ۶۹۹) اما سید محمد نوربخش علاوه بر نقل کشف و شهودهای دیگران برای اثبات مدعای خود به دلالتی عقلی نیز رو آورده و نسب و علم خود به را ملاک قرار داده و می‌گوید: «نسب من قرشی و هاشمی و علوی و فاطمی و حسینی و کاظمی است و در علوم شریفه جعفری، پیر و آدم الأولیاء حضرت علی مرتضی (علیه السلام) هستم و در علوم غریبه، چون کیمیا و سیمیا و همیما، اگر خودستایی نشماری، همتای ابن سینا و در مکاشفات فلکی و مشاهدات ملکوتی و معانی جبروتی و تجلیات لاهوتی، کامل و مکتمم و به مراحل هفتگانه ذکر لسانی و نفس و قلبی و سری و روحی و حضوری و غیب الغیوب، هم خود رسیده‌ام و هم دیگران را می‌رسانم...» (نوربخش، ۱۳۷۲، ۶۱۶) سید محمد نوربخش معتقد است که از نظر خداوند متعال او از دیگر مردمان روزگار ممتاز است و می‌گوید: «به‌طوری‌که اگر در تمام روی زمین، از مشرق گرفته تا مغرب، کسی یافت شود که مشکلات شریعت و طریقت و حقیقت را بتمامه جز من حل کند، امامت من باطل خواهد بود» (همو، ۷۱۲)

۳-۶. نگاهی به رساله الهدی سید محمد نوربخش

سید محمد نوربخش بانی سلسله نوربخشیه، یکی از مدعیان مهدویت در نیمه نخست قرن هشتم هجری است که وقتی در سال ۸۲۶ ادعای مهدویت کرد، آشکارا هدفش را گرفتن حکومت و تأسیس سلطنت عنوان نمود. وی به رغم داشتن مذهب اثنا عشری، غرق در مفاهیم صوفیانه بوده و وابستگی عمیقی به مشایخ صوفیه داشت و به تدریج، نه تنها خود را بانی سلسله جدیدی دانست، بلکه همان مهدی موعودی معرفی کرد که به امر خدا و رسول و نیز با توصیه مشایخ می‌بایست قیام کند و چونان جدش امام علی علیه السلام، علاوه بر علم و سیادت، مملکت داری نیز بنماید (جعفریان، ۱۳۹۱، ۳۵۱)

رساله‌ای است از سید محمد نوربخش که در سال ۸۲۶ هجری ادعای مهدویت کرد و در این رساله تلاش نمود تا مخاطبان خود را قانع کند که بر اساس شواهد و

مدارک قطعی وی همان مهدی موعود می‌باشد که برای برپایی حکومت عدل قیام کرده است

سید محمد نوربخش بانی سلسله نوربخشیه - که تا به امروز در نواحی کشمیر باقی مانده - یکی از مدعیان مهدویت در نیمه نخست قرن هشتم هجری است. سید محمد نوربخش از سالهای پیش از زمانی که بسال ۸۲۶ ادعای مهدویت کرد روی مهدویت خویش تکیه داشت و وعده می‌کرد که بزودی ظهور رخ خواهد داد. وی اوائل به طور مبهم صحبت می‌کرد و فقط قرائن و شواهدی را که این روزها اسمش را قواعد ظهور گذاشته‌اند، در باره ظهور بحث می‌کرد. وی که در هوای قدرت بود و این را در رساله حاضر دقیقاً شاهدیم، کوشید تا از تمامی آنچه که می‌تواند اذهان عامه را قانع کند که ظهور عن قریب رخ خواهد داد بحث کند. قرائن سماوی و ارضی، اعترافات شماری از بزرگان و پیران محبوب، لزوم داشتن یک حکومت نافذ و قوی، بحث از عدالت، و بسیاری از مسائل دیگر مسائلی بود که سید محمد نوربخش مطرح کرد و شما در این رساله شاهد آن هستید. وی توابع فراوانی از خود نشان می‌داد و تاکید داشت که به هیچ روی ادعای وی روی هوا و هوس نیست، بلکه تکلیفی آسمانی است که بر عهده او گذاشته شده است. او می‌گفت این تکلیفی است که خدا و رسول (ص) بر عهده او گذاشته‌اند و او به امر مشایخ دست به این ادعا زده است جالب است که یکی از استادان او نیز ادعای او را پذیرفت و تمام قد وارد میدان شد و حتی در جریان تحولات سیاسی و دخالت در امور وارد شده به طوری که متهم به قتل شاهرخ تیموری شده و اعدام شد، هرچند سید محمد نوربخش به خاطر سیادتش از اعدام نجات یافت. سید محمد نوربخش دو پسر از خود برجای گذاشت که یکی ادعای مهدویت او را قبول کرد و دیگری آن را به سخره گرفت. اما هر چه بود این ادعا استمرار یافت و این فرقه طرفدارانی یافت و تا به امروز هم هزاران نفر در بلتستان و کشمیر و جاهای دیگر جهان به آن وفادار هستند (نوری، ۱۹۹۸م. ۹۰) آنچه ذیلا ملاحظه می‌کنید رساله الهدی از سید محمد نوربخش است که

دلایل مهدی بودن خود را در آن مطرح کرده و از آیه و حدیث و قرآن‌های نجومی و سخن مشایخ و هرچه در اختیارش بوده استفاده کرده است. رساله یاد شده در کتابخانه اسعد افندی (ش ۳۷۰۲ برگ ۸۵ ب- ۱۰۸ آ) و فاتح (ش ۵۳۶۷ برگ ۱۰۱ آ- ۱۳۹ آ) باقی مانده که متن عربی آن توسط دانشجویی پاکستانی با نام بشیر رونویسی در پایان پایان نامه‌اش در باره نوربخش درج شده است. بنده آن متن را ترجمه کرده و در اینجا در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهم. هدف اصلی از نگارش این رساله، اثبات مهدویت نوربخش توسط خود اوست. بنابراین ما شاهد ادله‌ای هستیم که وی آن‌ها را برای اثبات این امر ارائه کرده است. اهمیت خواب و کشف نیز در این اثر بسیار مهم و قابل توجه است. نوربخش در این زمینه ابداعات جالب توجهی دارد و شاید در برخی از عرصه‌های بحث، مانند استفاده از مفهوم بروز که نوعی حلول ارواح پیشین در اجساد بعدی است، و البته به نظر وی با تناسخ بسیار تفاوت دارد، روش‌های تازه‌ای را گشوده باشد. افزون بر این، رساله حاضر گرچه عرفانی و مهدوی است، اما یک رویه اصلی آن، طرح تصوف سیاسی است. وی در این اثر، روی مفهوم «ظلمه» تکیه ویژه دارد، و از عالمان سوء که همراه ظلمه هستند، سخت گلایه مند است. بدین ترتیب خود را مروج روشی عدالت خواهانه می‌داند و تأکید می‌کند، به رغم علاقه‌ای که به سیاحت در زمین دارد، آن هم به پیروی می‌رسید علی همدانی، اما از سوی خدا و رسول و مشایخ به وی گفته شده است که باید حکومت و سلطنت را به دست آورد. همچنین اطلاعات تاریخی این رساله در شناخت اوضاع تصوف و سلسله تأسیسی وی در این مقطع اهمیت دارد. در بخشی از رساله وی اسامی شماری از هم‌دوره‌ای‌های خود را که به او پیوستند، و نیز شاگردانش را آورده که بالغ بر هفتاد نفر و غالباً گیلانی و خراسانی و از بسیاری از نقاط دیگر هستند. در این رساله که اخیراً جناب رسول رسویان جعفریان به فارسی ترجمه شده، ادعای مهدویت توسط سید محمد نوربخش پیدا است.

۷. نقد ادله انتساب مهدویت به سید محمد نوربخش

کسانی که مدعی اند که سید محمد نوربخش ادعای مهدویت نموده است و خود را به عنوان مهدی موعود و نجات بخش جهانیان معرفی نموده است در ذیل با تکیه بر منابع تاریخی و ادله دیگر به بررسی و نقد منتسبین خواهیم پرداخت.

۷-۱. رد انتساب براساس اثار و تألیفات خود سید محمد نوربخش

آنچه با مراجعه و بررسی زندگانی سید محمد نوربخش به این نتیجه می‌رسیدیم که سید محمد نوربخش یکی از ارادتمندان خاندان و عترت و طهارت بوده است. سید محمد نوربخش خود را به عنوان یکی از محبین اهل بیت (ع) و آمین اعل بیت معرفی نموده است. پس چطور ممکن است که امامت دوازده امام را قبول دارد و عقیده و باور به امامت آن‌ها را جز اصول اعتقادی خود می‌داند، ادعای مهدویت نماید. چنانچه سید محمد نوربخش در کتاب اعتقادیش می‌گوید: « و: (وَ يَجِبُ أَنْ تَعْتَقِدَ أَنَّ الْإِمَامَةَ عَلِيٌّ نُوعِنَ حَقِيقَةً وَ إِضَافِيَةً فَالْحَقِيقِيَّةُ الْإِتِّصَافُ بِجَمِيعِ صِفَاتِ الْإِمَامَةِ صَوْرِيَّةٌ كَانَتْ أَوْ مَعْنَوِيَّةٌ وَ شَرَائِطُهَا أَرْكَانُهَا... وَ لَمْ تَجْتَمِعْ تِلْكَ الصِّفَاتُ بَعْدَ عَلِيٍّ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فِي أَحَدٍ مِنَ الْأَيِّمَةِ فَالْإِمَامُ الْكَامِلُ الْحَقِيقِيُّ مَنْ اتَّصَفَ بِهَذِهِ الصِّفَاتِ وَ مِنْ اتَّصَفَ بِبَعْضِ هَذِهِ الصِّفَاتِ فَهُوَ إِمَامٌ بِالْقَدْرِ الَّذِي اتَّصَفَ بِهِ فَكَانَتْ إِمَامَتُهُ إِضَافِيَّةً (نوربخش، ۲۰۰۳، ۴۹) اعتقاد داشتن واجب است اینکه امامت بر دو نوع است؛ حقیقیه و اضافیه. امامت حقیقی این است که تمام صفات ظاهری و معنوی و شرائط و ارکان امامت متصف باشد؛ این تمام صفات بعد از حضرت امام علی علیه السلام تا عصر ما در هیچ یک از آئمه علیهم السلام جمع نشده است، پس امام کامل و حقیقی این است که این تمام صفات را دارا باشد.

سید محمد نوربخش اعتقاد برآیمة طاهرين من جمله امام مهدی علیهم السلام را واجب می‌داند به این خاطر او در همین کتاب در بحث اعتقاد بر اولیاء اسم امام زمان را برده و اعتقاد بر لازم دانسته است: و يجب ان تعتقد ان الالياء ورث الانبياء لانهم العالمون العاملون والعلماء الربانيون وما قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم لولا الابرا لهلك الفجار؛ و آدمهم علی و خاتمهم مهدی و يجب الايمان بالاولياء فى الطيقه كما يجب الايمان بالانبياء فى الشريعة (همو، ۵۰)

۷-۲. بررسی گزارشهای تاریخی

یکی از مواردی که منتسبین مهدویت به سید محمد نوربخش به منابع و آثار تاریخی استناد می‌کنند که براساس آن می‌خواهند ادعای مهدویت سید محمد نور ثابت نمایند لذا قبل از اینکه در مورد این ادعا اظهار نظر کنیم باید به اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران سید محمد نوربخش را بررسی کنیم که حاکمان وقت دوران سید محمد نوربخش چه برخوردی با علماء و مذاهب داشته‌اند و شرایط مذهبی در آن دوران چگونه بوده است؟ سید محمد نوربخش چه نگاهی به حکومت و حاکمیت داشته است؟

همانگونه که بیان گردید که در سید محمد نوربخش یکی صوفیه‌های قرن هشتم بوده است و به خاطر هوش مندی و ذکاوت وی از یک طرف، و مقبولیت و مشروعیت ایشان در میان مردم از سوی دیگر حکومت میرزا شاهرخ تیموری را به چالش کشانده بود چون سید محمد نوربخش علیه حکومت وقت قیام کرده بود. لذا اتهام و تخریب شخصیت ایشان از طرف دستگاه حکومت تیموری یک چیز طبیعی بود. بنا بر این دولت وقت در صدد حذف فیزیکی سید محمد نوربخش و یاران ایشان بود. لذا تمام منابع و آثاری که توسط دستگاه حاکمیت نوشته شده قابل پذیرش نیست.

۷-۳. رد نظریه میرزا حیدری دوغلات

چون جناب رسول جعفریان براساس نظریه و ادعای میرزا حیدر دوغلات ادعای مهدویت سید محمد نوربخش ثابت کرده بود، لذا باید بدانیم که دوغلات یکی از متعصب ترین سنی است که ضد شیعه و نوربخشیه سخن رانده است و افرادی زیادی را به جرم تشیع به قتل رسانده است و عبادت خانه‌ها و خانقاه شیعه‌ها و نوربخشیان به آتش کشیده است. لذا به هیچ وجه سخنان میرزا حیدر دوغلات قابل اعتنا و اعتبار نیست. اگر کسی کتاب تاریخ رشیدی بدون هیچ تعصبی بخواند، خواهد فهمید میرزا حیدر دارای چه عقائدی بوده و چگونه دوستداران اهل بیت(ع) را متهم نموده است.

۴-۷. حقیقت کتاب رساله الهدی

آیا واقعا این کتاب توسط سید محمد نوربخش نوشته شده است؟ یا این کتاب افکار و دیدگاه واقعی سید محمد نوربخش نشان می‌دهد؟ چنانچه بحث گذشت این کتاب در کتابخانه‌های افندی و فاتح ترکیه دریافت شده است. پس چرا با این همه تحقیقات و پژوهش‌های که در موضوع تصوف، سید محمد نوربخش و نوربخشیه نوشته است اسم چنین کتابی را نمی‌بینیم؟ اگر چنین کتابی در زمان سید محمد نوربخش نوشته شده بود، بهترین دستاویز برای دشمنان ایشان بود که براساس آن ایشان را محاکمه نمایند و از بین بردارند.

۸. نگاه مثبت نویسندگان و علماء تشیع در مورد سید محمد نوربخش

مؤرخان، نویسندگان و علماء نسبت به سید محمد نوربخش نگاه مثبت دارند و ایشان را فرد شیعی که مشرب و مسلک صوفی دارد، می‌شناسند. و هیچ کدام از مؤرخان، نویسندگان شیعه وی را به چنین چیزی متهم نکرده‌اند اگر چنین واقعیتی وجود داشت، حتماً آن‌ها نسبت به سید محمد نوربخش موضع می‌گرفتند و ایشان را به باد انتقاد می‌گرفتند. نکته دیگر اینکه چرا پژوهش‌گران و نویسندگان معاصر از منابع و مأخذ نوربخشیان بهره نبرده‌اند در حالیکه منابع و مأخذ زیادی وجود دارد که از آثار و تألیفات سید محمد نوربخش و درباره نوربخشیان نوشته شده است. لذا نسبت دادن ادعای مهدویت به سید محمد نوربخش جای تأمل است.

۹. نتیجه

باتوجه به بررسی و تحقیقات انجام شده این نتیجه رسیدیم که اندیشه مهدویت در مسلک نوربخشیه مثل اندیشه مهدویت در شیعه است و فرق چندانی باهم ندارد. البته چون نوربخشیه یک فرقه صوفی است و مشرب صوفیانه دارد لذا، نحوه تبیین اندیشه‌ها کمی با تشیع متفاوت است. سید محمد نوربخش که نوربخشیان از ایشان تقلید می‌کنند، یک عارف، فقیه، متکلم بوده و به راه انحراف نرفته است و ادعای مهدویت از طرف ایشان را دشمنان به وی نسبت داده‌اند. تحقیق در زمینه سید محمد نوربخش در آثار ایشان و مسلک نوربخشیه بیسار مهم و ضروری است از

محققان و پژوهشگران توقع داریم که بیشتر در این موضوعات تحقیق و بررسی نمایند.

۱۰. منابع و مآخذ

۱. آخوندزاده، محمدرضا (۱۹۹۴م)، آثار شاه همدان، ناشر برات لائبریی برق چهن خیلو، بلتستان، چ اول.
۲. آملی، حیدر بن علی، (۱۳۹۶ش) رساله رفع المنازعه و الخلاف: در رد شبهات مربوط به امامت، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول.
۳. انوری، حسن، (۱۳۹۹ش) کتاب فرهنگ فشرده سخن (دوجلدی) انتشارات سخن، چاپ ۱۸
۴. همدانی، سید علی شهاب الدین، (۱۹۹۰م)، الموده القری، هلندناشر: المرکز الوثائقی لتراث اهل البیت(ع)، چاپ اول.
۵. پندوی، خادم حسین (۱۹۸۵م)، احوال آثار سید محمد نوربخش، ناشر انجمن فلاح و بهبودی نوربخشی، محمود آباد کراچی.
۶. جعفریان، رسول (۱۴۰۰ش) مهدیان دروغین، انتشارات علم، چاپ اول.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش) لغت نامه، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۸. رجائی، محمد قاسم، (۱۳۸۶ش) تاریخ اسلام در بلتستان و نقش مبلغان ایرانی، پایان نامه، مجتمع آموزش عالی فقه، فقه و معارف اسلامی، گرایش تاریخ اسلام.
۹. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۳ش) دنباله جستجو در تصوف ایران، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم.
۱۰. سعیدی، فرمان علی (۱۴۰۰ش) تاریخ تشیع و عوامل گسترش آن در گلگت و بلتستان، دار التهذیب قم، چاپ اول.
۱۱. شاه، سید قاسم (۱۹۲۸م) کتاب نوربخشیه، نگینه پریس جالندهر، ریاست کشمیر، چ اول.

۱۲. شوشتری، قاضي نورالله (۱۳۶۵ش)، مجالس المومنين، اسلاميه، چاپ سوم.
۱۳. شهرستاني، محمدبن عبدالکريم، (۱۳۶۷ش)، الملل و النحل، چاپ محمدبن فتح الله بدران، قاهره، افست قم.
۱۴. شيبی، مصطفى (۱۳۸۰ش)، تشيع و تصوف، ترجمه، علي رضا ذكاوتي، انتشارات امير کبير، تهران، چ سوم.
۱۵. صافى گلپايگاني، لطف الله، (۱۳۸۵ش)، امامت و مهدويت، ناشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ش.
۱۶. صوفی، محمد ابن ملا محمد (۱۳۴۳ش)، طبقات النوریه، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ اول.
۱۷. فیض بخش، سید شاه قاسم (۲۰۱۱م)، رساله امامیه، مرتب و تصحیح، سید نجم الدین ثاقب، ناشر انجمن صوفیه نوربخشیه، لیه لداخ، جمون و کشمیر، چ اول.
۱۸. لاهیجی، شمس الدین محمد اسیري (۱۳۶۸ش) اسرار الشهود، تصحیح سیدعلی آل داود، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چ اول.
۱۹. محمد، رساله الهدی (من مهدی هستم)، ترجمه رسول جعفریان، نسخه الکترونیکی
۲۰. معین، محمد، (۱۳۹۱ش) فرهنگ فارسی، ج ۶، امیر کبير، چاپ ۲۷.
۲۱. موسوي، سید حسن شاه (۲۰۰۰م)، براهین قاطعه، ناشر مصنف، شگر، چ اول،
۲۲. نوربخش، سید محمد (۱۹۸۸م) نجم الهدی، مترجم، علي محمد هادي شگري، الندوة الاسلاميه نوربخشيه، پاکستان، چ اول،
۲۳. _____ (۱۳۵۱ش)، صحيفه الاولياء، تحقيق صدقيانلو.
۲۴. _____ (۱۳۴۳ق)، كشف الحقيقت، تهران.
۲۵. _____ (۱۹۸۸م)، كتاب اصول اعتقاديہ، مترجم، علامه محمد بشير، الندوة الاسلاميه نوربخشيه، پاکستان، چ دوم.
۲۶. _____ (۲۰۰۵م)، انسان نامه، ترجمه و تحقيق، غلام حسن حسنو،

ناشر هارون بکس و سپورٹس، بلتستان، چ اول.

۲۷. نوری، حسن (۱۹۹۸م) الحجۃ البالغه، ناشر انجمن نوربخشیہ، بلتستان، چ اول.

۲۸. نوربخش، سید محمد، رسالہ الہدی (من مہدی ہستم)، ترجمہ رسول جعفریان، نسخہ الکترونیکی.

۲۹. موسوی تہسگوی، سید بشارت حسین، (۱۳۹۶ش)، تبیین و نقد منتسین ادعای مہدویت بہ سید محمد نوربخش، تحقیق پایانی، جامعہ المصطفیٰ، مدرسہ تاریخ و ادیان.

